نگاه

«هملت» شکسپیر و وضعیت دشوار انسان مدرن

هملت خود انسان است

جوادلگزیان

«بودن یا نبودن، حرف در همین است. آیا بزرگواری آدمی بیش در آن است که زخم فلاخن و تیر بخت ستم‌پیشه را تاب آورد، یا آنکه در برابر دریای فتنه و آشوب سلاح برگیرد و با ایستادگی خویش بدان همه پایان دهد؟ مردن، خفتن یا نه بیش؛ و پنداری که ما با خواب به دردهای قلب و هزاران آسیب طبیعی که نصیب تن آدمی است پایان می‌دهیم؛ چنین فرجامی سخت خواستنی است». این کلمات، کلماتی آشناست از زبان هملت، قهرمان شکسپیر که بازتاب پرسش‌های ابدی آدمی است. هملت شاهزاده دانمارکی از سفر آلمان به قصر خود در هلسینبورگ روانه می‌شود تا در مراسم سوگواری پدر شرکت کند. شاه مقتول در قالب شبحی سراغ هملت می‌آید و از جفای برادر خود کلادیوس می‌نالد که چگونه همسر پادشاه زنی به نام گرترود را فریب داده و مرگ شاه نگون‌بخت را سبب شده است. هملت در صحنه‌ای تکان‌دهنده به نابودی عموی فریبکار همت می‌گمارد اما به اشتباه پدر معشوقه خود پولونیوس را می‌کشد. افیلیای زیبا که این ماجرای غم‌انگیز را می‌شنود، تن به امواج رودخانه می‌سپارد و لایرتیس برادرش به خون‌خواهی او قصد هملت می‌کند. در پایان نمایش هملت و کلادیوس و گرترود و لایرتیس در گرداب انواع توطئه‌ها و دسیسه‌ها غرق شده و می‌میرند و سرداری جوان سر می‌رسد تا بر تخت بنشیند. در این تراژدی محنت‌بار، گویا سودای دستیابی به مقام و ثروت و شهوت نامردمان را واداشته تا فاجعه‌ای را بیافرینند و قلب هملت جوان را بیازارند. هملت اما با سودای تعقیب کیفر این فرومایگان، سرشار از یأس و تردید، پرسش‌هایی ابدی از معنای حیات و راز این همه تلخی را فریاد می‌کند و بی دریافت پاسخی به دعوت نیستی روانه می‌شود. آنچه از پس سالیان سال از نگارش نمایش «هملت» زنده است، شخصیت سرشار از آشفتگی و تشویش هملت و تعلل او در اقدام است. هملت حاضر نیست تنها بر اساس گفته شبحی دست به عمل بزند چراکه فکر می‌کند شاید آن روح ظاهرشده در نیمه‌شب، اهریمن بوده باشد و تصمیم می‌گیرد از گروه بازیگرانِ دوره‌گرد برای آزمودنِ گناهکاری کلادیوس استفاده کند.

ویلیام شکسپیر در «هملت» یک افسانه اسکاندیناویایی قدیمی را که از یک انتقام‌جویی ساده می‌گفت، به طولانی‌ترین اثر خود تبدیل کرد که در آن به جای پهلوانی قدیمی، انسانی با خلق‌وخویی مدرن پا به عرصه گیتی گذاشت. هملت نه چون انتقام‌جویی ساده‌دل که همانند انسانی مدرن برای عدالت به‌پا خاست و در انتها همراه با سایر بازیگران مرگ را تجربه کرد تا سرداری جوان به نام فورتینبراس، شاهزاده نروژ کشور همسایه که پدرش توسط پدر هملت کشته شده و به دنبال انتقام است بر تخت بنشیند و تلخی عجیبی را در ذهن و قلب به یادگار گذاشت که می‌گفت امان از روزگار که همه آن هیاهوها رفت و ناگهان تقدیر پیروز همه داستان بود. در تحلیلی شایسته توجه، پیتر لیتهارت منتقد و متخصص الهیات در یادداشتی به نام «هملت رمانتیک» می‌نویسد: پس از سال ۱۸۰۰، هملت در شکل‌ها و صورت‌های گوناگون به نمادی از وضعیت وجودی انسان تبدیل شد و از او به‌عنوان نقطه عطفی نمادین در تاریخ فرهنگی غرب استفاده شد؛ صرف‌نظر از اینکه ماهیت این نقطه عطف چه چیزی بوده باشد. آیا تعارض اصلی اروپای مدرن، انتخابی دینی میان کاتولیسیسم و پروتستانتیسم است؟ هملت، دانشجوی دانشگاه ویتنبرگ، نماد این انتخاب فلج‌کننده و ناتوان‌کننده است. آیا ویژگی اصلی مدرنیته، گسستی بنیادین میان سوژه و ابژه (فاعل شناسا و موضوع شناخت) است؟ هملت، دهه‌ها پیش از دکارت، از پیش نمایانگر وضعیت دشوار و گریزناپذیر انسان مدرن در اسیرشدن در خودآگاهی و ذهنیت خویش بود. آیا زندگی مدرن با احساس تهوع، ملال، کسالت و رخوت روحی شناخته می‌شود؟ خب، هملت نیز دقیقاً چنین وضعیتی داشت. آیا وجود مدرن گرفتار و تسخیرشده به وسیله ارواح و اشباح گذشته است؟ شاهزاده دانمارک بسیار پیش‌تر از زمانه خود این وضعیت را تجربه کرده بود. ویکتور هوگو در سال ۱۸۳۵ همه این مفاهیم را در این عبارت خلاصه کرد: «چه قدرت شگفت‌انگیزی دارد نبوغ! موجوداتی را خلق می‌کند که از ما والاترند، اما همچون ما زندگی می‌کنند. برای مثال، هملت به اندازه هر یک از ما واقعی است و در عین حال از ما عظیم‌تر است. هملت موجودی است باعظمت و باشکوه، اما در عین حال واقعی و ملموس. زیرا هملت نه توست و نه من؛ او تک‌تک ماست. هملت یک انسان نیست؛ او خودِ انسان است». لیتهارت همچنین با این گفته سَموئل تیلور کولریج هم‌داستان است: «شخصیت هملت را می‌توان حاصل دانش عمیق و دقیق شکسپیر در زمینه فلسفه ذهن دانست... انسان به همان نسبتی از حیوانات متمایز می‌شود که اندیشه‌اش بر حواس او غلبه می‌کند؛ اما در عملکرد سالم ذهن، همواره نوعی تعادل میان تأثیراتی که از اشیای بیرونی دریافت می‌شوند و فعالیت‌های درونی قوه عقل برقرار است. زیرا اگر کفه ترازو بیش از اندازه به سود قوه تأمل و تفکر سنگینی کند، انسان به موجودی تبدیل می‌شود که صرفاً در اندیشه و تفکر غرق است و توانایی طبیعی خود برای عمل‌کردن را از دست می‌دهد. یکی از شیوه‌های شکسپیر در خلق شخصیت‌ها این است که یکی از قوای فکری یا اخلاقی انسان را در وضعیتی بیمارگونه و افراطی تصور کند و سپس او را در حالی که به این نقص یا بیماری دچار شده است، در موقعیت‌ها و شرایطی معین قرار دهد. به نظر می‌رسد شکسپیر در شخصیت هملت خواسته است ضرورت اخلاقی برقراری تعادلی مناسب میان توجه ما به موضوعات و پدیده‌های حسی از یک سو، و تأمل ما درباره عملکرد ذهن خودمان از سوی دیگر را نشان دهد؛ یعنی تعادلی میان جهان واقعی و جهان خیالی. در شخصیت هملت، این تعادل بر هم خورده است: افکار و تصاویر ذهنی او بسیار زنده‌تر و پررنگ‌تر از ادراکات واقعی او هستند و حتی ادراکاتش نیز به محض آنکه از صافی تأملات ذهنی او عبور می‌کنند، شکل و رنگی به خود می‌گیرند که ذاتاً متعلق به آنها نیست. از همین رو، در هملت فعالیت فکری عظیم و تقریباً افراطی‌ای مشاهده می‌کنیم که به همان نسبت، بیزاری از عمل واقعی را در پی دارد؛ بیزاری‌ای که با تمام نشانه‌ها و ویژگی‌های همراه آن بروز می‌کند. شکسپیر چنین شخصیتی را در شرایطی قرار می‌دهد که ناچار است بی‌درنگ و تحت تأثیر لحظه تصمیم به عمل بگیرد. هملت شجاع است و از مرگ واهمه‌ای ندارد؛ اما حساسیت و تأثرپذیری‌اش موجب تردید و دودلی او می‌شود و تفکر بیش از اندازه‌اش باعث به تعویق انداختن عمل می‌گردد؛ در نتیجه، او درست در اوج اراده و عزم خود، توانایی اقدام را از دست می‌دهد».

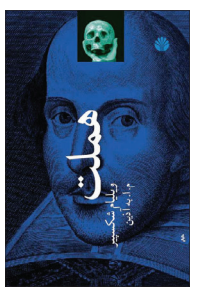

هملت
ویلیام شکسپیر
ترجمه م. ا. به‌آذین
انتشارات اختران

گزارشی از نشست کتاب‌های «روان‌شناسی کمبریج»

مغز عصر حجر در جهان عصر دیجیتال

چرا زندگی مدرن همیشه به نفع انسان نیست؟

رضا حمیدی
مدرس علوم ارتباطات اجتماعی

نخستین نشست «روان‌شناسی کمبریج» درباره کتاب «مقدمه‌ای بر روان‌شناسی تکاملی مثبت» با محوریت بحث پیرامون ناهماهنگی تکاملی و تنهایی انسان شهری تا بازاندیشی در نظام آموزشی و حکمرانی برگزار شد. آیا ممکن است بخش مهمی از رنج‌ها و نارضایتی‌های انسان امروز، نه از ضعف فردی او، بلکه از ناسازگاری محیط زندگی‌اش با طبیعت تکامل‌یافته انسان ناشی شده باشد؟ آیا مغز و بدن انسان که طی هزاران سال در شرایطی متفاوت شکل گرفته‌اند، می‌توانند بدون هزینه روانی و جسمی با زندگی پرشتاب، کم‌تحرک و دیجیتال امروز سازگار شوند؟ این پرسش‌ها محور نخستین نشست «روان‌شناسی کمبریج» بود؛ نشستی که به معرفی و بررسی کتاب «مقدمه‌ای بر روان‌شناسی تکاملی مثبت» اختصاص داشت و کوشید از دریچه‌ای علمی، نسبت میان طبیعت انسان و اقتضائات زندگی مدرن را دوباره بررسی کند. در این نشست که در سالن اجتماعات «ترنگ‌هاوس» در آجودانیه تهران و با حضور جمعی از دانشگاهیان و علاقه‌مندان به علم روان‌شناسی برگزار شد، دکتر مهدی نساجی، عضو هیئت‌علمی دانشگاه شهید بهشتی، با طرح پرسش‌هایی از دکتر هادی صمدی، مباحث کتاب را در قالب گفت‌وگویی علمی و قابل فهم پیش برد. کتاب با ترجمه فاطمه تفلیسچی غروی و به همت انتشارات طرح نو منتشر شده و تاکنون ۱۷ جلد از این مجموعه روان‌شناسی کمبریج منتشر شده است. حسین پایا، مدیر انتشارات طرح نو، دکتر غلامرضا امیرخانی، رئیس سازمان اسناد و کتابخانه ملی، دکتر محمدعلی مظاهری، رئیس دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه شهید بهشتی، دکتر رضا شهرابی، معاون کتابخانه ملی، دکتر عیسی منصوری، رئیس پژوهشکده اتاق بازرگانی و جمعی از استادان و علاقه‌مندان حوزه فرهنگ و علوم انسانی نیز در این برنامه حضور داشتند.

روان‌شناسی؛ از درمان اختلال تا فهم بهزیستی

نخستین پرسش دکتر نساجی ناظر بر جایگاه روان‌شناسی تکاملی مثبت در میان شاخه‌های مختلف روان‌شناسی بود: این رویکرد چه چیزی به فهم ما از انسان اضافه می‌کند و چه تفاوتی با روان‌شناسی متعارف دارد؟ دکتر صمدی در توضیح این موضوع، به مسیر تاریخی روان‌شناسی اشاره کرد؛ دانشی که در بخش مهمی از تاریخ خود، عمدتا بر شناخت رفتار، تبیین اختلال‌ها و درمان مشکلات روانی متمرکز بوده است. با گسترش روان‌شناسی مثبت‌گرا، توجه به جنبه‌های دیگری از زندگی انسان، ازجمله شادی، رضایت، معنا، شکوفایی و کیفیت زندگی نیز اهمیت بیشتری پیدا کرد. اما روان‌شناسی تکاملی مثبت، در پی افزودن یک پرسش بنیادی‌تر است: ویژگی‌های روانی و رفتاری انسان در بستر تاریخ تکامل چگونه شکل گرفته‌اند و شناخت این پیشینه چه کمکی به بهبود زندگی امروز می‌کند؟ از این منظر، نمی‌توان انسان را جدا از تاریخ زیستی و تکاملی‌اش فهمید. بسیاری از گرایش‌ها، نیازها و سازوکارهای روانی انسان حاصل فرایندی طولانی‌اند که در محیط‌های متفاوت از جهان امروز شکل گرفته‌اند. بنابراین، برای فهم برخی دشواری‌های زندگی معاصر باید به این پرسش بازگشت که انسان برای زیستن در چه نوع محیطی تکامل یافته و محیط کنونی تا چه اندازه با آن شرایط سازگار است.

وقتی محیط زندگی با طبیعت انسان هماهنگ نیست

نساجی در ادامه بحث، مفهوم «ناهماهنگی تکاملی» را پیش کشید و پرسید این مفهوم چگونه می‌تواند وضعیت انسان امروز را توضیح دهد. صمدی توضیح داد که ناهماهنگی تکاملی زمانی رخ می‌دهد که ویژگی‌هایی که در گذشته برای بقا و سازگاری انسان سودمند بوده‌اند، در محیط جدید کارکرد پیشین خود را از دست بدهند یا حتی به عاملی آسیب‌زا تبدیل شوند. بدن و ذهن انسان در زمانی طولانی و در شرایطی شکل گرفته‌اند که با زندگی شهری و صنعتی امروز تفاوت‌های اساسی داشته است؛ اما تغییرات محیط زندگی در چند دهه و چند قرن اخیر، بسیار سریع‌تر از روند تغییرات زیستی انسان بوده است. برای نمونه، گرایش به مصرف غذاهای پرانرژی در محیطی که دسترسی به غذا دشوار بوده، می‌توانسته مزیت بقا محسوب شود. اما در جهان امروز که غذاهای پرکالری به‌وفور در دسترس‌اند و فعالیت بدنی کاهش یافته است، همان گرایش می‌تواند به اضافه‌وزن و مشکلات سلامت منجر شود. نمونه دیگر، کاهش تحرک در زندگی شهری است. انسان در بخش بزرگی از تاریخ خود برای تأمین نیازهای روزانه ناگزیر به حرکت، جست‌وجو و فعالیت جسمانی بوده است؛ حال آنکه بسیاری از مشاغل و فعالیت‌های امروزی مستلزم ساعت‌ها نشستن پشت میز و استفاده از ابزارهای دیجیتال‌اند. این تغییر، صرفا تغییر در سبک زندگی نیست؛ بلکه می‌تواند با نیازهای زیستی و روانی انسان نیز در تعارض قرار گیرد.

هزاران ارتباط مجازی؛ چند رابطه واقعی؟

در بخش دیگری از گفت‌وگو، نساجی بحث را به مسئله تنهایی و روابط اجتماعی کشاند: چگونه است که انسان در عصر ارتباطات، با وجود امکان تماس دائمی با دیگران، همچنان با احساس تنهایی روبه‌رو است؟ پاسخ صمدی بر تمایز میان ارتباط و رابطه اجتماعی عمیق استوار بود. ابزارهای دیجیتال امکان ارتباط سریع و گسترده را فراهم کرده‌اند، اما افزایش تعداد تماس‌ها لزوما به معنای برخورداری از روابط انسانی عمیق و حمایتگر نیست. انسان موجودی اجتماعی است و در طول تکامل، پیوندهای نزدیک، همکاری گروهی و حمایت متقابل در بقای او نقشی اساسی داشته‌اند. از این منظر، داشتن صدها یا هزاران مخاطب در شبکه‌های اجتماعی نمی‌تواند به‌خودی‌خود جایگزین روابطی شود که در آنها اعتماد، همدلی، حضور واقعی و حمایت متقابل وجود دارد. ارتباط مجازی ممکن است بخشی از نیاز انسان به تعامل را پاسخ دهد، اما اگر جای روابط حضوری و پایدار را بگیرد، احتمال دارد به تشدید احساس انزوا بینجامد. این بحث از یک مسئله فردی فراتر می‌رود و به موضوعی اجتماعی تبدیل می‌شود: شهرها، خانواده‌ها و نهادهای اجتماعی تا چه اندازه امکان شکل‌گیری روابط واقعی را فراهم می‌کنند؟ آیا طراحی فضاهای شهری، شیوه کار و الگوی زندگی روزمره به تقویت پیوندهای انسانی کمک می‌کند یا افراد را هرچه بیشتر در جهان‌های شخصی و مجازی محصور می‌سازد؟

از میکروبیوم تا سلامت روان؛ پیوندهای کمتر دیده‌شده

نساجی در ادامه، به ارتباط میان بدن و روان پرداخت و درباره نقش میکروبیوم روده در سلامت انسان پرسید. صمدی با اشاره به پژوهش‌های جدید در زمینه ارتباط روده و مغز، توضیح داد که میکروارگانیسم‌های ساکن دستگاه گوارش می‌توانند در فرایندهای زیستی و تنظیم برخی کارکردهای بدن نقش داشته باشند. پژوهش‌ها در سال‌های اخیر توجه بیشتری به محور روده-مغز نشان داده‌اند؛ مسیری که از طریق آن، میان دستگاه گوارش و سیستم عصبی ارتباط برقرار می‌شود. اهمیت این موضوع در آن است که سلامت روان را نمی‌توان صرفا پدیده‌ای جدا از وضعیت جسمانی دانست. بدن و ذهن در ارتباطی پیوسته با یکدیگر عمل می‌کنند و شناخت بهتر این ارتباط می‌تواند افق‌های تازه‌ای برای پژوهش و مراقبت از سلامت انسان بگشاید. البته در این زمینه باید میان یافته‌های پژوهشی و نتیجه‌گیری قطعی تمایز گذاشت؛ وجود ارتباط میان میکروبیوم و برخی فرایندهای روانی، به‌تنهایی به معنای اثبات رابطه علت و معلولی در همه موارد نیست.



مدرسه؛ محیطی که با طبیعت کودک سازگار نیست

یکی از بخش‌های قابل توجه نشست به آموزش و پرورش اختصاص داشت. نساجی این پرسش را مطرح کرد که آیا نظام آموزشی امروز با نیازهای طبیعی و تکاملی کودکان هماهنگ است؟ صمدی در پاسخ، به شیوه‌های رایج آموزش اشاره کرد؛ شیوه‌هایی که در بسیاری از موارد بر نشستن طولانی‌مدت، انتقال مستقیم اطلاعات و محدودکردن حرکت و بازی استوار هستند. حال آنکه یادگیری کودک تنها از طریق شنیدن و حفظ‌کردن شکل نمی‌گیرد. بازی، تجربه مستقیم، کنجکاوی، تعامل با همسالان، فعالیت بدنی و کشف محیط، در رشد شناختی و اجتماعی او نقش مهمی دارند. از منظر روان‌شناسی تکاملی، کودکان برای یادگیری و سازگاری، به فرصت‌هایی فراتر از حضور منفعلانه در کلاس نیاز دارند. اگر محیط آموزشی این نیازها را نادیده بگیرد، ممکن است میان ساختار مدرسه و شیوه طبیعی رشد و یادگیری کودک فاصله ایجاد شود. در کتاب به پژوهشی اشاره شده است که بر اساس آن، حدود ۷۰ درصد دانش‌آموزان مورد مطالعه خواهان بازگشت به مدرسه بودند؛ نکته قابل توجه این بود که بخشی از این اشتیاق نه صرفا به محتوای درسی، بلکه به حضور در کنار دوستان، تعامل اجتماعی و امکان بازی مربوط می‌شود که مدرسه فقط محل انتقال اطلاعات نیست؛ مدرسه یک محیط اجتماعی برای رشد و تجربه زیسته کودکان نیز هست.

آموزش و پرورش؛ فراتر از انتقال اطلاعات

اهمیت این بحث زمانی روشن‌تر می‌شود که بدانیم نظام آموزشی، علاوه بر انتقال دانش، در شکل‌گیری شخصیت، مهارت‌های اجتماعی، اعتمادبه‌نفس و توانایی همکاری کودکان نقش دارد. بنابراین، بازنگری در آموزش نباید تنها به تغییر کتاب‌های درسی یا فناوری‌های آموزشی محدود شود. پرسش اصلی این است که آیا مدرسه فرصت کافی برای بازی، حرکت، تجربه، گفت‌وگو و یادگیری مشارکتی فراهم می‌کند؟ آیا فضای آموزشی به کودک اجازه می‌دهد کنجکاوی طبیعی خود را دنبال کند و از طریق تجربه، جهان پیرامونش را بشناسد؟ این نگاه می‌تواند سیاست‌گذاران آموزشی را به بازاندیشی در برنامه‌های درسی، معماری مدارس، زمان‌بندی فعالیت‌ها و نسبت میان آموزش نظری و عملی دعوت کند. البته سخن بر سر کنارگذاشتن آموزش علمی و نظم آموزشی نیست؛ مسئله آن است که این نظم باید با شناخت دقیق‌تری از نیازهای رشد انسان طراحی شود.

از خانواده تا حکمرانی؛ پیامدهای یک نگاه تکاملی

در بخش دیگری از نشست، بحث از سطح فرد و مدرسه فراتر رفت و به خانواده، جامعه و سیاست‌گذاری عمومی رسید. اگر بخشی از مشکلات انسان معاصر از ناهماهنگی میان نیازهای تکاملی و محیط زندگی ناشی می‌شود، اصلاح شرایط نیز نمی‌تواند تنها بر دوش افراد گذاشته شود. برای مثال، تشویق مردم به تحرک بدنی، بدون فراهم‌کردن فضاهای عمومی امن و مناسب، کافی نیست. توصیه به تقویت روابط اجتماعی، در شرایطی که شهرها و سبک زندگی فرصت دیدار و تعامل را محدود می‌کنند، اثرگذاری محدودی خواهد داشت. همچنین، تأکید بر تربیت بهتر کودکان، بدون توجه به فشارهای اقتصادی، کمبود حمایت اجتماعی و دشواری‌های زندگی خانواده‌ها، نمی‌تواند به نتیجه مطلوب برسد. از این منظر، روان‌شناسی تکاملی مثبت فقط دانشی برای شناخت بهتر فرد نیست؛ می‌تواند در طراحی محیط‌های شهری، سیاست‌های آموزشی، برنامه‌های سلامت عمومی و حمایت از خانواده نیز الهام‌بخش باشد. فاطمه تفلیسچی غروی، مترجم کتاب، نیز در تأملی درباره اهمیت شبکه‌های حمایتی، بر این معنا تأکید کرد که پرورش کودک صرفا مسئولیت یک خانواده نیست و به همراهی جامعه یا به تعبیری قبیله نیاز دارد؛ مفهومی که در تعبیر شناخته‌شده «برای پرورش یک کودک، یک روستا لازم است» بازتاب یافته است. این نگاه، مسئولیت تربیت و رشد نسل آینده را از محدوده خانه فراتر می‌برد و بر نقش پیوندهای اجتماعی و حمایت جمعی تأکید می‌کند.

ترجمه علم به زبان زندگی

اهمیت انتشار کتاب‌هایی از این دست، تنها در انتقال یافته‌های دانشگاهی نیست؛ ارزش اصلی آنها زمانی آشکار می‌شود که مفاهیم علمی بتوانند به پرسش‌های واقعی زندگی پاسخ دهند. از مجموعه روان‌شناسی کمبریج تاکنون ۱۷ عنوان به فارسی ترجمه شده است و تلاشی برای عرضه مباحث تخصصی روان‌شناسی در قالبی منسجم و قابل‌استفاده برای جامعه علمی و علاقه‌مندان این حوزه است. برگزاری نشست‌های تخصصی در کنار انتشار کتاب، فرصتی فراهم می‌کند تا مفاهیم علمی از فضای محدود دانشگاهی خارج شوند و در معرض گفت‌وگو و نقد قرار گیرند. انتخاب قالب پرسش و پاسخ در این نشست نیز به همین دلیل اهمیت داشت؛ زیرا به‌جای ارائه مطالب به شکل یک‌طرفه، امکان طرح مسئله، توضیح مفاهیم و پیونددادن آنها با تجربه روزمره انسان را فراهم کرد. در پایان نشست نیز اعلام شد که جلسه بعدی این مجموعه به بررسی کتاب «روان‌شناسی خودشیفتگی» اختصاص خواهد داشت؛ موضوعی که می‌تواند از منظر فردی و اجتماعی، زمینه‌ساز گفت‌وگوهای دیگری درباره ویژگی‌های روانی انسان معاصر باشد.

گزارش کامل را در سایت شرق بخوانید





شرکت سرمایه‌گذاری و توسعه کیش

آگهی فراخوان عمومی شناسایی، ارزیابی و انتخاب کارگزار بازرگانی جهت فعالیت در حوزه‌های نفت، گاز و پتروشیمی به شماره ۴۰۵/۳۰/۰۰/۱۴

نوبت اول

شرکت سرمایه‌گذاری و توسعه کیش (سهامی خاص) متعلق به سازمان منطقه آزاد کیش در نظر دارد تا از طریق برگزاری فراخوان عمومی و ارزیابی کیفی و مالی نسبت به شناسایی، ارزیابی و انتخاب کارگزار بازرگانی جهت فعالیت در حوزه‌های نفت، گاز و پتروشیمی اقدام نماید.

موضوع فراخوان

ردیف	نوع فعالیت	شرح
۱	حوزه پتروشیمی و مشتقات فرآورده‌های نفتی	کلیه مواد، تجهیزات و ماشین‌آلات مورد نیاز صنعت نفت، گاز و پتروشیمی

نام و نشانی شرکت: شرکت سرمایه‌گذاری و توسعه کیش واقع در جزیره کیش، خیابان لوب دیدار، بلوار برج، برج صدف، طبقه سوم- تلفن تماس ۲-۴۴۴۵۳۳۷۱-۰۷۶

• **تاریخ فروش اسناد فراخوان:** از تاریخ درج آگهی (مورخ ۱۴۰۵/۰۹/۰۸) تا ساعت ۱۵:۰۰ روز یکشنبه ۱۴۰۵/۰۹/۱۵

• **آخرین مهلت زمان تحویل اسناد فراخوان:** از تاریخ درج آگهی تا ساعت ۱۵:۰۰ روز دوشنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۹/۳۰

• **محل فروش اسناد فراخوان:**

o **دفتر مرکزی:** جزیره کیش - واقع در جزیره کیش، خیابان لوب دیدار، بلوار برج، برج صدف، طبقه سوم- تلفن تماس ۲-۴۴۴۵۳۳۷۱-۰۷۶

o **دفتر تهران:** بزرگراه آفریقا- بالاتر از چهارراه شهید حقانی (جهان کودک)- نبش خیابان کیش- ساختمان منطقه آزاد کیش- شماره ۴۵ - طبقه دوم تلفن: ۸۸۸۸۰۲۶۰-۸۸۷۷۱۹۰۳-۰۲۱

o سایت شرکت سرمایه‌گذاری و توسعه کیش IDC.KISH.IR (مناقصه‌ها و مزایده‌ها) (idctender.kish.ir)

ضمانت حسن انجام تعهدات و فرآیند ارجاع کار:

به به منظور حسن انجام تعهدات مندرج در اسناد فراخوان و ضمانت شرکت در فرآیند ارجاع کار و قرارداد سرمایه‌گذاری، تضمینات ذیل از متقاضی جهت شرکت در سرمایه‌گذاری اخذ می‌گردد:

طبق آیین‌نامه تضمین معاملات مشارکت عمومی خصوصی به شماره ۴۴۹۱۶/ت۵۸۱۳۵، مبلغ ضمانت شرکت در فرآیند ارجاع کار (فراخوان) مبلغ ۱۵۰،۰۰۰،۰۰۰،۰۰۰ ریال (صد و پنجاه میلیارد ریال) می‌باشد. متقاضی مکلف است مبلغ مذکور را به‌صورت نقدی و همزمان با تحویل اسناد فراخوان، به حساب شماره ۳۶۰۹۱۱۱۸۵۷۴۴۶۵۰۰۱ به شماره شبا IR ۵۳۰۲۲۰۳۶۰۹۰۱۱۱۸۵۷۴۴۶۵۰۰۱ نزد بانک توسعه تعاون به نام شرکت سرمایه‌گذاری و توسعه کیش واریز نموده و اصل یا مستند معتبر پرداخت وجه را به شرکت ارائه نماید.

در صورت انصراف و یا عدم انعقاد قرارداد از سوی متقاضی منتخب، ۵۰٪ مبلغ ضمانت مذکور به عنوان هزینه‌های هدررفت فرصت و اداری از سوی این شرکت ضبط می‌گردد و متقاضی در این خصوص حق هرگونه ادعا و اعتراضی را از خود سلب و ساقط می‌نماید.

به پیشنهادهای فاقد تضمین، تضامین مخدوش یا کمتر از میزان مقرر، چک شخصی و بانکی و نظایر آن، ترتیب اثر داده نخواهد شد.

همزمان با انعقاد قرارداد مشارکت، شریک متعهد است نسبت به ارائه ضمانت‌نامه بانکی به مبلغی معادل سی درصد (۳۰٪) بالاتر از مجموع اصل آورده شرکت و سود پیشنهادی خود اقدام نماید؛ به‌نحوی‌که ضمانت‌نامه بانکی، اصل مبلغ آورده به‌همراه سود اعلامی متقاضی و ۳۰٪ مبلغ اضافی را به‌طور کامل پوشش دهد.

ارائه یک فقره چک بانکی صیادی به مبلغ کل قرارداد همزمان با انعقاد قرارداد مشارکت.

محل تحویل پاکات:

o **دفتر مرکزی:** جزیره کیش- لوب دیدار- خیابان برج - برج صدف- طبقه سوم دبیرخانه شرکت سرمایه‌گذاری و توسعه کیش- تلفن: ۲-۴۴۴۵۳۳۷۱-۰۷۶

o **دفتر تهران:** بزرگراه نلسون ماندلا- بالاتر از چهارراه شهید حقانی (جهان کودک)- نبش خیابان کیش- ساختمان منطقه آزاد کیش- شماره ۴۵ - طبقه دوم تلفن: ۸۸۸۸۰۲۶۰-۸۸۷۷۱۹۰۳۰-۰۲۱

• **نحوه خرید اسناد فراخوان:**

۱۵،۰۰۰،۰۰۰ (پانزده میلیون) ریال وجه نقد که می‌بایست به حساب شماره ۷۲۱۷۱۱۶۲۵۹۶۵۷۱ به شماره شبا IR۰۷۰۶۰۰۷۲۱۷۰۱۱۰۶۲۵۹۶۵۷۰۰۱ نزد بانک قرض‌الحسنه مهر ایران به نام شرکت سرمایه‌گذاری و توسعه کیش واریز گردد. مبلغ خرید اسناد از طریق سامانه اینترنتی شرکت ۱۰،۰۰۰،۰۰۰ (ده میلیون) ریال می‌باشد.

سایر شرایط:

• شرکت کلیه اشخاص حقوقی با سوابق بازرگانی، دارای کارت بازرگانی، دارای سابقه واردات و صادرات و دارای توان مالی و مدیریتی در این فراخوان مجاز می‌باشد.

• اولویت با تأمین موارد دارای اهمیت راهبردی در شرایط ویژه کشور است.

• مدت انجام کار از تاریخ انعقاد قرارداد به مدت ۶ ماه شمسی می‌باشد که مدت زمان مذکور در صورت توافق کتبی طرفین قابل تمدید می‌باشد همچنین کارگزار موظف است نسبت به ارائه پروپوزال با حداقل سود پیشنهادی برای حداکثر یک دوره شش ماهه در قبال قرارداد جعاله اقدام نماید.

• تعیین دقیق اقلام، مقادیر و مشخصات فنی، حسب مورد و در قالب قراردادهای جداگانه تعیین خواهد شد.

• تضمین حداقل سود از طرف کارگزار الزامی می‌باشد و پرداخت سود بایستی هر دو ماه یکبار از تاریخ واریز وجه صورت پذیرد.

• کارگزار باید حداقل مبلغ سرمایه‌ای را که برای اجرای قرارداد از شرکت لازم دارد در پروپوزال خود اعلام نماید، مبلغ باید با برآورد دقیق هزینه کالا، حمل، بیمه، گمرک و سایر هزینه‌ها همراه باشد.

• هزینه درج هر دو نوبت آگهی بر عهده سرمایه‌گذار می‌باشد.

• تکمیل و ارائه مدارک مربوطه هیچگونه حقی برای متقاضی و یا تعهدی برای شرکت ایجاد نخواهد کرد و شرکت در قبول و یا رد درخواست هر یک از متقاضیان مختار و مخیر است.

• متقاضی تحت هیچ شرایطی حق درخواست استرداد مدارک ارسالی و یا وجه واریز شده به منظور خرید اسناد را از شرکت نخواهد داشت.

• سایر اطلاعات و جزئیات در اسناد فراخوان درج گردیده است.

• جهت کسب اطلاعات بیشتر با شماره تلفن ۲-۴۴۴۵۳۳۷۱-۰۷۶ (حوزه مدیریت سرمایه‌گذاری و فروش داخلی ۱۱۰) تماس یا به سایت idc.kish.ir مراجعه فرمایید.

شرکت سرمایه‌گذاری و توسعه کیش